

بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه

نیکنام بیری^۱

شهرز ابراهیمی*

۱۴۹

چکیده

بحران سوریه از آغاز تاکنون، یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. این بحران برای ترکیه به نوعی بازی با حاصل جمع جبری صفر بوده که طی آن هر گونه تحولات بنیادین در ساختار سیاسی و امنیتی این کشور، امنیت و منافع ترکیه را متأثر خواهد کرد. سوریه دروازه ورود ترکیه به جهان عرب و اتصال استراتژیک ترکیه به خاورمیانه است. این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت بحران سوریه بر محیط امنیتی منطقه، تأثیرگذاری تحولات سوریه بر امنیت و منافع ملی ترکیه را مورد بحث قرار داده است. بر اساس یافته‌های پژوهش بحران سوریه نه تنها با قدرت‌یابی کردها و گروه‌های اسلامی افراطی نظیر داعش در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه و تهدید امنیت ملی این کشور همراه بوده است بلکه با ایجاد تنش در روابط آنکارا با دمشق و متحدان غربی‌اش، تهدیدات اقتصادی و سیاسی را نیز متوجه ترکیه نموده است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مکتب کپنهاگ پیدایش داعش و منطقه خودمختار کرد در شمال سوریه و تهدیدات امنیتی ناشی از ظهور آن دو بر امنیت ملی ترکیه را بررسی نموده است. همچنین به مسئله روابط متشنج دو بازیگر عمده منطقه‌ای یعنی ترکیه و آمریکا نیز پرداخته است.

واژگان کلیدی: داعش، کردها، ترکیه، دولت اسد

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

* sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هشتم، صص ۱۷۸-۱۴۹

مقدمه:

خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ میلادی، ساختار ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه را به کلی دگرگون ساخت. این قیام‌ها که با هدف دستیابی به دموکراسی، آزادی‌های مدنی و ارزش‌های حقوق بشر از تونس و مصر آغاز شد؛ در ابتدا به صورت استعفای بن علی از قدرت و خروج حسنی مبارک از کسوت ریاست جمهوری مصر جلوه گر شد. آنچه که باعث اهمیت و معناداری بیشتر این قیام‌ها و تأثیر آن بر رقابت‌های امنیتی میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گذاشت؛ تغییر جهت گیری این قیام‌ها در کشورهایی همچون لیبی، یمن و سوریه بود. در این کشورها اعتراضات مسالمت آمیز مردمی به سرعت به سمت جنگ‌های داخلی و فرقه‌گرایانه تغییر مسیر داد. اعتراضات در این کشورها از حالت تحصن و بست نشینی در خیابان‌ها به سمت درگیری‌های خیابانی، قتل و کشتار سوق یافت. این وضعیت کماکان در هر سه کشور برقرار است و در این بین وضعیت سوریه با عطف به موقعیت سوق الجیشی و حضور جریان‌های تأثیرگذار تروریستی منحصر به فرد است. در این کشور معترضان ابتدا بر لزوم انجام اصلاحات از سوی دولت بعثی سوریه تأکید کردند. تقاضاهایی همچون، برداشته شدن قانونی جنگی، توزیع برابر ثروت و در نهایت باز شدن فضای سیاسی کشور از جمله خواسته‌های مردمی در سوریه بود. در برابر این خواسته‌ها؛ دولت اسد به جای تلاش برای آرام ساختن گروه‌های اعتراضی دست به خشونت و سرکوب زد. متعاقب با کنش خشونت آمیز دولت مرکزی، خواسته‌های مردمی نیز از اصلاحات به سمت تلاش برای تغییر نظام حرکت کرد. گروه‌های مردمی شروع به سر دادن شعارهای ضد حاکمیتی دادند و این امر سرآغاز بحران و درگیری‌های نظامی میان ارتش یا طیف جریان‌های مخالف شد. بحران در سوریه هم اکنون به سبب مداخله‌گری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از آنکه جنبه داخلی و تلاش برای تغییر مسالمت آمیز قدرت و حرکت به سمت ثبات و دموکراسی باشد؛ به محلی برای صف کشی‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌ها تبدیل شده است. در منطقه رقابت اصلی میان سه قدرت ایران، ترکیه و عربستان است. این سه قدرت از ابتدای شروع بحران به صورت جدی و هدفمند ورود پیدا کرده و به حمایت از گروه‌های حامی خود پرداختند. در بین این سه کشورها، ترکیه با توجه به قرابت جغرافیایی و اهمیت استراتژیک اش نزد قدرت‌های

غربی رویکرد خاصی در این بحران داشت. دولتمردان ترکیه که مدعی حاکمیت داری نوین و دموکراتیک در منطقه بودند؛ رویکردی فعال و مداخله جویانه در برابر بحران سوریه اتخاذ کردند. این رویکرد ابتدا با دعوت از بشار اسد به گشودن باب مذاکره و اصلاحات سیاسی با مخالفان آغاز و در ادامه به مخالفت تمام عیار با دولت بشار اسد ختم شد. از دید دولتمردان ترکیه دولت اسد با گشودن آتش به روی مخالفان مشروعیت خود را از دست داده و باید قدرت به صورت داوطلبانه به مردم واگذار کند. این دیدگاه در حالی از سوی رهبران ترکیه مطرح می‌شود که بحران در سوریه زمینه چند بعدی پیدا کرده و از هر سو دامنه تهدیدات امنیت و منافع ملی ترکیه را نشانه گرفته است. از جمله این امر رخنه پیکارجویان داعش و از همه مهم تر جدی تر شدن مسأله خودمختاری جریان‌های کردی در شمال سوریه است. پیدایی این وضعیت رهبران ترکیه را در وضعیتی دشوار قرار داده است از یکسو نظاره گر تقویت موقعیت نظامی و سیاسی حزب اتحاد دموکراتیک خلق‌ها در نوار شمالی سوریه هستند و از طرف دیگر شاهد تثبیت اوضاع سیاسی دولت مرکزی سوریه هستند. در همین راستا به نظر می‌رسد دولت ترکیه با چشم چوشتی از موقعیت بشار اسد بیشتر دل نگران کرده‌های سوریه هستند و عمده تمرکزشان را بر ممانعت از قدرت گیری این جریان در سوریه گذاشته‌اند. با توجه به مطالب مذکور سوالی که مطرح است این است که بحران سوریه چه تاثیری بر امنیت ملی ترکیه بر جای گذاشته است؟ در پاسخ به آن این فرضیه مطرح شده است که بحران سوریه نه تنها با قدرت‌یابی کردها و گروه‌های اسلامی افراطی نظیر داعش در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه و تهدید امنیت ملی این کشور همراه بوده است بلکه عدم شکل گیری نظم سیاسی مورد نظر ترکیه و ایجاد تنش در روابط آنکارا با دمشق و واشنگتن؛ تهدیدات اقتصادی و سیاسی را نیز متوجه ترکیه نموده است.

چارچوب نظری: نظریه امنیت بری بوزان

امنیت^۱ را می‌توان به معنی رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین تعریف نمود. نکته کلیدی در اندیشه واقع‌گرایان ناامنی می‌باشد و نه امنیت. امنیت در نزد واقع‌گرایان به معنی نبود تهدید امنیتی فیزیکی و آن هم از نوع نظامی آن می‌باشد. در بحث

1. Security

واقع‌گرایان از امنیت قدرت اهمیتی زیادی دارد. لیبرال‌ها در برابر واقع‌گرایان مطالعات امنیتی خود را بر پایه صلح استوار می‌کنند. واقع‌گرایان به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و آرمانگرایان به تأمین امنیت از طریق صلح توجه دارند. با پایان جنگ سرد و مطرح شدن موضوعات غیرنظامی نظیر توسعه اقتصادی، تغییرات زیست‌محیطی، مهاجرت و رشد بی‌سابقه جمعیت، بیماری‌های جدید نظیر ایدز و تروریسم نقدهایی جدی بر نگاه سنتی واقع‌گرایان و لیبرال‌ها به امنیت وارد شد. چرا که رویکردهای سنتی نسبت به امنیت قادر به تبیین آن‌ها نبودند. این موضوعات جدید باعث تحول در نظریه‌های راجع به امنیت گردیدند. از دید بوزان نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه‌ای وجود دارد که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد. در واقع مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه واقع‌گرایان و لیبرال‌ها نسبت به امنیت دانست.

مفاهیم امنیت موسع و امنیتی کردن گزاره‌هایی هستند که نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ در گسترش آن‌ها تلاش زیادی کرده‌اند. مکتب کپنهاگ که با نوشته‌های باری بوزان از جمله کتاب "مردم، دولت و هراس" در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، معتقد است امنیت مسئله‌ای است بین‌الذهانی که مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌باشد. از دید اندیشمندان این مکتب امنیت برپایه ساخت و پرداخت‌های اجتماعی از تهدیدها و موضوع‌های امنیتی استوار است ولی سنت‌گرایان برای این عوامل عینیت قائل هستند (بوزان، ویور و دووید، ۱۳۹۲: ۳۲۱). بدین ترتیب ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف حتی در مورد موضوعی خاص روی دهد. این برداشت و ارزیابی آن‌ها در نهایت بر نحوه تصمیم‌گیری و پاسخ‌های آن‌ها تاثیرگذار خواهد بود. همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، امنیت نیز نوعی برساخته اجتماعی است. لذا تفسیرهای متفاوت از پدیده‌ای می‌تواند در تعریف مسئله یا پدیده به عنوان تهدید یا رفع تهدید از مسله‌ای دیگر نقش مهمی را ایفا نماید (سلطانی نژاد، جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۵: ۲۵). مکتب کپنهاگ تلاش دارد نظریه یا چارچوبی را بسط دهد که به بررسی امنیت، مطابق سنت سازه‌انگاری می‌پردازد. یکی از مفاهیم اساسی مورد نظر مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیتی کردن است. منظور از امنیتی کردن برساز

1. Copenhagen School
2. Barry Buzan
3. Constructivism

گفتمان تهدید می‌باشد. به عبارت دیگر روندی است که طی آن یک بازیگر، مسله، پوشش و یا بازیگر دیگر را به عنوان تهدید وجودی برای یک موضوع خاص اعلام می‌نماید (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۱۳۰). واکنش بازیگران ناشی از درک و تصور آنها از وجود و یا فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و منافع حیاتی‌شان می‌باشد.

از نگاه بوزان و ویور تفاوت نگرش آنها با دیدگاه‌های سنتی در بررسی امنیت، قبول دستورکار چندبخشی به جای دستور کار تک‌بخشی است. بوزان معتقد است بقای دولت‌ها یا بازیگران دولتی، دیگر فقط توسط فاکتورها و عوامل نظامی مورد تهدید قرار نمی‌گیرند، بلکه بایستی سایر حوزه‌های موضوعی - سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی - رانیز بدان اضافه کرد. در واقع وی امنیت را در ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. زیرا از دید وی افزایش سطح روابط میان کنشگران نظام بین‌الملل باعث تغییر و دگرگونی در ماهیت و ویژگی تهدیدات گردیده و انواع دیگری از تهدیدات به جز تهدیدات نظامی ظهور یافته‌اند. این مکتب تلاش کرد تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. مکتب کپنهاک امنیت را در سطوح امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیتی منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تقسیم می‌نماید. اما اعلام می‌دارد که مرکز ثقل مطالعات امنیتی از دید این مکتب مطالعه امنیت ملی می‌باشد. در واقع تمرکز اصلی مکتب کپنهاک بر امنیت دولت می‌باشد (سلطانی نژاد، جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۵: ۲۳). کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم امنیت بعد نظامی آن است. از دید بوزان امنیت نظامی در دو سطح قابلیت تهاجمی و دفاع مسلحانه دولت و برداشت دولت‌ها از هدف‌های یکدیگر تفسیر می‌شود. امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدات نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند. امنیت اقتصادی به دسترسی به منابع، پول و بازارهای ضروری برای حفظ سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت مربوط است. اهمیت بُعد اقتصادی امنیت به لحاظ بقای شهروندان و تأثیر آن بر بخش‌های کلیدی دیگر کشورمانند آموزش، بهداشت و افزایش توان نظامی، سبب توجه به این بعد از امنیت شده است. تهدیدات سیاسی متوجه مشروعیت داخلی واحد سیاسی، مشروعیت خارجی آن و مشروعیت ایدئولوژیکی آن می‌باشند. امنیت سیاسی در سطح بین‌المللی

معطوف و مربوط به روابط و تعاملات بین‌المللی است. وجود ایدئولوژی و ارزش‌های وابسته به نظام در بیرون از مرزهای نظام به امنیت سیاسی نظام را قوام می‌بخشد.

حضور بازیگران خارجی و مسئله گسترش بحران در سوریه

با آغاز خیزش‌های عربی در منطقه، مردم سوریه نیز بر خواسته‌های دموکراتیک از طرق غیر نظامی اصرار ورزیدند. این اعتراضات ابتدا از سوی گروه‌های چپ‌گرا و سکولار سازماندهی شد. این گروه‌ها خواستار حقوق سیاسی و اجتماعی بیش‌تر بودند. دولت بعثی سوریه از همان ابتدای بحران، استراتژی خود را روی انجام اصلاحات قرار داد. در همین راستا بشار اسد وضعیت امنیتی اضطراری را برای اولین بار در طول ۴۰ سال اخیر برداشت. این اصلاحات با وجود برگرداندن حقوق شهروندی و هویتی به مردم سوریه نتوانست شعله‌های اعتراض را خاموش سازد. اعتراضات در سوریه به سبب ورود متغیرهای متعدد داخلی و خارجی عمیق‌تر شد و به شدت قدرت سازمانی و نظامی رژیم اسد را تضعیف ساخت. البته گفته می‌شود نوع برخورد حکومت نیز در تداوم اعتراضات بی‌تأثیر نبود. پاسخ خشن نظامی از سوی دولت دمشق باعث تقویت نارضایتی و احساسات منفی نسبت به اسد و حامیان وی در داخل و خارج از سوریه گشت. اما به تدریج با تداوم بحران سوریه و با مداخله قدرت‌های خارجی جنس و شکل اعتراضات به کلی دگرگون گشت. جایگاه ژئواستراتژیک سوریه در معادلات قدرت منطقه‌ای موجب نقش آفرینی فعال قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه گردید. سوریه برای دهه‌های متمادی در دوران نظام جنگ سرد پیشرو سیاست در جهان عرب بود. مرکزیت جغرافیایی این کشور، قرار گرفتن بین دو قطب بزرگ جهان عرب یعنی مصر و عراق و همچنین مرکزیت فکری ایده‌های پان‌عربی سوریه را در کانون توجهات جهان عرب قرار داده بود. این کشور نه تنها پرچمدار ضدامپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بوده و روابط نزدیکی با ایران و روسیه دارد بلکه در معادله قدرت لبنان نیز بسیار تأثیر گذار بوده است. موقعیت جغرافیایی این کشور در منطقه، قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای را به وسوسه بر سر ایفای نقش جدی در این کشور برای به دست گرفتن رهبری منطقه واداشته است.

بازی قدرت کشورهای بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و رقابت‌های پنهان سیاسی و تاریخی میان آن‌ها، نه تنها بحران سوریه را به صدر دستور کار بین‌المللی هدایت کرده است بلکه شدت و تطویل بحران را با خود به همراه آورده است. بر اساس مطالعات برچر تعداد بازیگران داخلی و خارجی یکی از عوامل اصلی طولانی شدن بحران‌ها می‌باشد. از دید وی اهمیت ژئواستراتژیک بحران، تعداد بازیگران، میزان مداخله قدرت‌های بزرگ و عدم تجانس طرفهای درگیر از شاخصه‌های اصلی شدت بحران می‌باشند (برچر، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲). در واقع مطالعات برچر نشان دهنده این است که با افزایش تعداد بازیگران عدم تجانس بازیگران بیشتر شده و از طرف دیگر شدت بحران و میزان توسل به خشونت نیز افزایش خواهد یافت. زیرا زیادی تعداد بازیگران احتمال حصول نتیجه جمعی رضایت بخش را کاهش خواهد داد. در کل تعداد زیاد بازیگران شدت و تطویل بحران را با خود به همراه خواهد داشت. در این میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هر کدام طبق تفسیر و برداشت خود از ماهیت تحولات سوریه شروع به اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌هایی برای بهره‌گیری از این تحولات جهت به حداکثر رساندن منافع و کاهش ضرر و زیان ناشی از آن نموده‌اند. در میدان نبرد سوریه بازیگران خارجی در دو جبهه مختلف حضور دارند. جبهه اول که متشکل از ترکیه، غرب، قطر و عربستان است، که از سیاست تغییر رژیم حمایت می‌نمایند. از دید این کشورها راه حل اساسی حل بحران سوریه در ترک قدرت از سوی اسد قرار دارد. دولت سعودی در تابستان ۲۰۱۱ با حمایت از گروه‌های مذهبی اولین جرقه را در منازعه‌آمیز شدن بحران در سوریه زد. اردوگاه بعدی که نمایندگی آن را ایران، روسیه و چین بر عهده دارند، معتقد به حل بحران سوریه از طریق حمایت و تقویت دولت مرکزی سوریه هستند. از دید این کشورها وضعیت فعلی در سوریه مستعد گذار به دموکراسی و ثبات نیست. گروه‌های سیاسی در سوریه به شدت نظامی شده‌اند و در صورت حذف قدرت مرکزی وضعیت امنیتی در سوریه به مراتب بغرنج‌تر خواهد گردید (Barzegar, 2012: 1).

ترکیه و بحران سوریه

ترکیه به‌عنوان همسایه شمالی سوریه یکی از بازیگران منطقه‌ای تاثیرگذار در بحران این کشور بوده است. رهبران این کشور ابتدا سیاست محتاطانه‌ای را نسبت به ناآرامی‌های سوریه اتخاذ کردند. در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ داوود اغلو خطاب به بشار اسد خواهان توجه به صدای مردم و خویشتن‌داری در برابر معترضان با اعمال اصلاحات و انجام گفتگوی ملی با اخوان المسلمین شد (Phillips, 2011: 33-36). این تقاضا، مخالف آن سیاستی بود که ترکیه در بحران مصر اتخاذ کرده بود. آن‌ها در ناآرامی‌های مصر در همان روزهای اول خواهان استغفای حسنی مبارک از قدرت شدند و یا در بحران لیبی با سیاست پرواز ممنوع ناتو موافقت کردند. به‌خاطر روابط اقتصادی گسترده با سوریه، ترکیه بیشتر به دنبال اصلاحات برای حفظ ثبات در همسایگی خود بود. با ادامه روند اعتراضات در سوریه، سیاست میانجی‌گریانه ترکیه به سمت فشارهای دیپلماتیک، سیاسی بر دولت بشار اسد به منظور انجام اصلاحات دموکراتیک و توجه به خواسته‌های معترضان گرایش پیدا کرده و به نوعی لحنی آمرانه و سخت به خود گرفت (Schenker, 2011: 1). ترس از گسترش ناامنی میان مرزهای دو کشور و جلوگیری از شیوع یافتن اختلافات قومی مهم‌ترین عواملی بودند که باعث اتخاذ سیاست تقابل‌گریانه از سوی ترکیه گردید (Esmailzadeh, 2014: 334). از سوی دیگر زمانی که کشتار غیرنظامیان فزونی گرفت؛ رهبران ترکیه خواهان مداخله شورای امنیت سازمان ملل متحد و پایان دادن به عملیات نظامی تحت عنوان دموکراسی و اقدامات بشر دوستانه در سوریه شدند. داوود اغلو اعلام کرد که جامعه جهانی نباید نسبت به فاجعه انسانی و نسل‌کشی در سوریه بی‌تفاوت مانده و آن را صرفاً مسئله‌ای داخلی بدانند. به این ترتیب ناآرامی‌های سوریه به طور کلی روابط فی‌مابین را تغییر داد و روابط این دو کشور را وارد مرحله منازعه و تنش کرد (Anthony, 2011: 1). از این منظر باید در تحلیل رویکرد ترکیه نسبت به بحران سوریه دو مقطع مهم زمانی را در نظر گرفت. دوره اول از آغاز بحران (۲۰۱۱) تا (۲۰۱۶) را شامل می‌شود که در طی این سال‌ها ترکیه در تلاش برای تغییر

1. Davoutoglo
2. Hsni Mobarak

رژیم در سوریه بدون مداخله نظامی بود. از آگوست ۲۰۱۶ مداخله مستقیم نظامی ترکیه با هدف کنترل فعالیت پیکارجویان وابسته به پ.ک.ک.ک آغاز شد. البته در این خصوص باید گفت که ترکیه آماده همکاری با دولت اسد در صورت مقابله مشترک از هر دو سو علیه جریان کردی موسوم به روزوا^۱ بود که با توجه به تهدیدات مهم تر و قریب الوقوع تر برای دولت سوریه از سوی شبه نظامیان مسلح (النصره، داعش و احرار الشام) دولت سوریه وقعی به معامله ترکیه نداد. برای همین منظور ترکیه با در نظر گرفتن امنیت و منافع خود مداخله نظامی در سوریه را با عنوان عملیات سپر فرات آغاز کرد. این عملیات با مشارکت ارتش آزاد سوریه انجام گرفت و تاکنون منطقه‌ای در حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مربع را در شمال غربی سوریه به کنترل خود در آورده‌اند. ورود نظامی ترکیه به بحران سوریه در نتیجه به بن بست رسیدن استراتژی‌ها و اهدافشان طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ بود. این کشور طی این سال‌ها هم زمان سه راهبرد خارج کردن اسد از قدرت با تسلیح مخالفان، کمک به قدرت‌گیری اخوان المسلمین و جلوگیری از شکل‌گیری دولت خودمختار کردی در شمال شرقی سوریه را دنبال می‌کرد. هر سه این راهبرد با شکست کامل مواجه شد. موقعیت اسد در سوریه نسبت به گذشته تثبیت تر شد. جریان اخوان المسلمین به خاطر اوج‌گیری داعش و النصره به کل از فضای سیاسی و نظامی سوریه ناپدید شد و از سوی دیگر ترک‌ها نظاره‌گر قدرت‌گیری فزاینده کردها در گوشه مرزی‌شان شدند. برآیند این اتفاقات این جمع‌بندی را در حزب عدالت و توسعه ایجاد کرد که راهی جزء مداخله و حضور مستقیم نظامی برای عملیاتی کردن راهبردها وجود ندارد. (Alaranta, 2017:2)

بحران سوریه و ناکامی نظم منطقه‌ای مورد نظر ترکیه

بر اساس دکترین عمق استراتژیک احمد داود اوغلو، ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود دارای عمق استراتژیک است و به همین دلیل باید نقش رهبری را در مناطق پیرامونی خود به عهده بگیرد و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. ترکیه انقلاب‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه و نیز ناآرامی‌های سیاسی موجود در

سوریه را به منزله فرصتی برای پیشبرد راهبرد کلان خود برای تبدیل شدن به بازیگری مهم در معادلات خاورمیانه در چارچوب در نظر دارد ((Jung, 2011:1-2). دولت‌مردان این کشور درصدد هستند با معرفی خود به عنوان الگوی مطلوب و موفق در عرصه مدیریت سیاسی و موفقیت‌های اقتصادی، جریان‌های جاری موجود در خاورمیانه را به مسیر مطلوب و مورد نظر خود هدایت کنند و نفوذ سیاسی خود را در منطقه افزایش دهند ((Cordesman, 2011: 2-3). مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی آنکارا مطرح شدن دموکراسی ترکیه و اسلام ترکیه‌ای که بیشتر در چارچوب گفتمان اخوانی قابل تفسیر می‌باشد به عنوان الگو در سطح منطقه خاورمیانه می‌باشد. این کشور در تلاش است با ترویج مدل اسلام ترکیه‌ای، خود را به عنوان الگویی موفق برای کشورهای عرب منطقه خاورمیانه معرفی نماید. ولی روند تحولات سوریه موجب چند پارگی سوریه شده و تضعیف ارتش آزاد و یا به عبارتی گفتمان اخوانی را در پی داشته است. برخلاف تصورات اولیه آنکارا و متحدین غربی وی، نظم اخوانی مورد نظر ترکیه نتوانست به گفتمانی مسلط در تمام سوریه مبدل شده و در سپهر گفتمانی این کشور به منزلت هژمونیک دست یابد. این مسئله سیاست‌های خاورمیانه‌ای آنکارا را با چالشی جدی مواجه کرده است. اگر امروزه از ترکیه به عنوان بازیگری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای یاد می‌شود، نه به دلیل سیاست‌های متوازن و یا الگوی حکومتی آنکارا می‌باشد بلکه به علت موقعیت ژئوپلیتیک این کشور و همسایگی آن با کانون‌های بحران منطقه‌ای است. البته در رابطه با ناکامی سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در کنار رویکرد نامتوازن و شتاب زده مردان عدالت و توسعه باید به ماهیت تحولات خاورمیانه و پیچیدگی‌های نهفته در آن اشاره کرد. با آغاز تحولات بیداری عربی، عمده خواسته‌ها از سوی جریان‌های انقلابی، بعد سیاسی داشت. تلاش برای آزادی سیاسی بیشتر، استقرار نهادهای دموکراسی و رعایت حقوق بشر از جمله شعارهای انقلابیون بود. بی تردید ترکیه با توجه به دارا بودن درجه‌ای قابل قبول از معیارهای دموکراسی و همچنین موقعیت مساعد جهانی از پذیرش و مقبولیت بیشتری نزد جریان‌های دموکراسی خواه در کشورهای بحران زده خاورمیانه برخوردار بود. قدرت یابی حزب النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر که مدل سیاسی حزب عدالت و توسعه را ایده آل‌ترین مدل برای شیوه حاکمیت داری

کشورشان می‌دانستند؛ به یکباره موقعیت منطقه‌ای ترکیه را در قیاس با رقبای اش ارتقا داد. این وضعیت چندان به درازا نینجامید و با شروع موج دوم تحولات، آسیب‌پذیری‌های ترکیه بیشتر شد. از منظری بحران‌های سیاسی در خاورمیانه از تلاش برای استقرار نهادهای مدنی به سمت جنگ‌های فرقه‌ای و هویت‌جویانه تغییر مسیر داد. به عبارتی منازعات بر پایه هویت‌های سیاسی جایگزین تقاضای‌های دموکراتیک شد و این امر سرآغاز نزول ترکیه در منطقه شد. دو کشور سوریه و یمن در دسته نخست این کشورها قرار دارد. بدین رو با تشدید جنگ‌های فرقه‌ای در سوریه و ورود جریان‌های متعدد تروریستی به این کشور، رویکرد منطقه‌ای ترکیه که همانا ارتقای قدرت نرم این کشور بود؛ به بن بست رسید. این کشور هیچ‌گونه آمادگی سیاسی و نظامی در مواجهه با تحولات و دگردیسی‌های سیاسی و نظامی سوریه نداشت و نتوانست موقعیت گروه‌های حامی خود را در سوریه مستحکم‌تر نمایند. (Dalay, 2016: 2)

بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع اقتصادی ترکیه

قبل از شروع بحران سوریه، آنکارا و دمشق دو شریک استراتژیک در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رفتند. آن‌ها همکاری‌های متعدد اقتصادی نظیر امضای ۵۰ توافق‌نامه همکاری با یکدیگر در طول ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹، توافق‌نامه تاریخی مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۰ و تبدیل شدن ترکیه به بزرگ‌ترین شریک تجاری سوریه را در کارنامه خود داشتند. در سال ۲۰۱۰ ترکیه در حدود ۱/۷ میلیارد دلار کالا به سوریه صادر نموده بود و به این ترتیب در صدر کشورهای قرار داشت که سوریه از آن‌ها کالا وارد می‌نمود. در واقعه ۹/۵ درصد واردات سوریه از ترکیه بود. در همین سال ترکیه چهارمین کشور مقصد برای کالاهای صادراتی سوریه به شمار می‌رفت (UN Comtrade Data, 2017). گرمی این روابط تا جایی بود که رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر وقت ترکیه در سفر به دمشق در دسامبر ۲۰۰۹ رسماً اعلام کرد که سوریه برای ما نه تنها بازاری با بیست میلیون جمعیت محسوب می‌شود، بلکه دروازه‌ای به سوی خاورمیانه با جمعیت قریب به سیصد میلیون نفر است. اردوغان در این سفر با اشاره به دوستی عمیق خود با بشار اسد، وی را برای خود نامید و خواهان دوستی بیشتر دو کشور سوریه و ترکیه شد

(6: Taspinar, 2012) این تعاملات نشان می‌دهد که سوریه اولین ایستگاه ورودی آنکارا در رویکرد خاورمیانه‌ای ترکیه به منطقه بوده و به همین دلیل بود که ترک‌ها با انعقاد اولین پیمان استراتژیک خود در منطقه با سوریه تا جایی پیش رفتند که اقدام به تشکیل کابینه مشترک در سال ۲۰۱۰ کردند. (1: Dunfer and Berthold, 2010) در طی این جلسات بود که موافقت نامه‌های مختلف همکاری از سیاسی تا اقتصادی و تجاری میان طرفین به امضا رسید. از جمله این توافق نامه‌های مهم که نقش ویژه‌ای در همگرایی دو کشور داشت، توافق نامه تجارت آزاد میان دو کشور بود. این توافق نامه که در ژانویه ۲۰۰۴ به امضا رسید از سال ۲۰۰۷ بعد اجرایی به خود گرفت. براساس این توافق، ترکیه تمام عوارض گمرکی بر محصولات سوریه را لغو کرد در حالی که سوریه به علت دارا بودن صنایع ناکارآمدتر و ضعیف تر توافق کرد تا عوارض گمرکی را بر کلیه کالاهای ترکیه به تدریج در طول یک دوره دوازده ساله کاهش دهد. (دانش نیا، ۱۳۹۴: ۱۴) این توافق نامه زمینه مناسبی را برای توسعه تجارت میان دو کشور فراهم ساخت. به طوری که حجم مبادلات ترکیه و سوریه از ۷۳۳ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسید.

میزان مبادلات تجاری بین ترکیه و سوریه (۲۰۰۲-۲۰۱۰)

سال	صادرات ترکیه به سوریه	واردات ترکیه از سوریه	حجم تجارت	موازنه تجاری
۲۰۰۲	۲۶۶/۷۷۲	۵۰۶/۲۴۷	۷۷۳/۰۱۹	-۲۳۹/۴۷۵
۲۰۰۳	۴۱۰/۷۵۵	۴۱۳/۳۴۹	۸۲۴/۱۰۴	-۲/۵۹۴
۲۰۰۴	۳۹۴/۷۸۳	۳۵۷/۶۵۷	۷۵۲/۴۳۹	۳۷/۱۲۷
۲۰۰۵	۵۵۱/۶۲۷	۲۷۲/۱۸۰	۸۲۳/۸۰۷	۲۷۹/۴۴۷
۲۰۰۶	۶۰۸/۱۴۰	۱۸۷/۰۰۶	۷۹۵/۱۴۶	۴۲۱/۱۳۴
۲۰۰۷	۷۹۲/۳۱۲	۳۷۶/۹۵۸	۱/۱۷۴/۲۷۰	۴۱۰/۳۵۴
۲۰۰۸	۱/۱۱۳/۰۲۶	۶۳۹/۲۱۳	۱/۷۵۲/۲۳۹	۴۷۳/۸۱۳
۲۰۰۹	۱/۱۱۵/۰۱۳	۳۲۷/۶۴۰	۱/۴۴۲/۶۵۳	۷۸۷/۳۷۳
۲۰۱۰	۱/۶۴۱/۸۰۵	۶۳۰/۶۱۰	۲/۲۷۲/۴۱۵	۱/۰۱۱/۱۹۵

منبع: <http://www.mfa.gov.tr>

اما با تشدید خشونت‌ها و اوج گرفتن دامن بحران سوریه، شاهد سرایت خشونت‌ها به داخل ترکیه و اثرات منفی آن بر رویط اقتصادی آنکارا- دمشق بوده‌ایم. برای نمونه میزان صادرات ترکیه به سوریه روبه کاهش گذاشته است. در سال ۲۰۱۴ کل صادرات ترکیه به سوریه در حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار بود. این رقم در سال ۲۰۱۵ به یک میلیارد و پانصد و بیست و دو میلیون دلار و در سال ۲۰۱۶ به یک میلیارد و سیصد و بیست و سه میلیون دلار کاهش یافت. همچنین در فاصله زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ میزان واردات ترکیه از این کشور به بیش از نصف کاهش یافت (International Trade Center, 2017). هم اکنون نیز به سبب تشدید جنگ و نا امنی‌ها مرادوات اقتصادی به شدت کاهش یافته و حتی آن بخش از کالاهای صادراتی از مقصد ترکیه به سوریه به خاطر عدم برگشت پذیری پول از طرف سوریه، سود آنچنانی برای بازرگانان

و تجار ترکیه ای ندارد. گزارش روزنامه حریت چاپ ترکیه با اشاره به اینکه شرکت‌های ترکیه ای کالاهای متنوعی چون، آهن، سیمان، میوه و سبزیجات به ادلب شهر همجوار ترکیه صادر می‌کنند؛ از این امر حکایت دارد که بازرگانان سوریه ای قادر به پرداخت بدهی‌شان نیستند و هم اکنون رقمی در حدود ۷ میلیون دلار به تجار ترکیه بدهکار هستند. (hurriyetaidailynews, 2018) این امر در کنار ناامنی مرزها و فروریزی مسیرهای مواصلاتی همچون پل‌ها و راه آهن، باعث دشوار هر چه بیشتر مراودات تجاری میان طرفین شده است. در کنار افت محسوس تعاملات تجاری میان ترکیه و سوریه، صنعت بزرگ توریسم ترکیه نیز به سبب تحولات ناشی از سوریه دچار آسیب‌های جدی شده است. قابل ذکر است که بخش توریسم درصد قابل توجهی از اقتصاد ترکیه را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۵ این کشور توانسته است با جذب بیش از ۳۹ میلیون توریست عنوان ششمین کشور توریست‌پذیر جهان را به خود اختصاص دهد (Republic of Turkey Prime Ministry Investment Support and Promotion Agency, 2017). در نتیجه ناآرامی‌ها و جنگ داخلی در سوریه تأثیر جدی بر صنعت توریسم ترکیه بر جای گذاشته است. ترکیه به عنوان یکی از مقاصد اصلی گردشگران خارجی دیگر همچون گذشته از امنیت لازم برخوردار نیست. نگرانی گردشگران باعث کاهش ورود میلیون‌ها گردشگر به ترکیه شده است و زیان ۱۵ میلیارد دلاری سالانه بر درآمد گردشگری ترکیه برجای گذاشته است ((Taner Özen, 2017).

تنش در روابط روسیه و ترکیه

بحران سوریه در مرکز ثقل پویایی‌های پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی قدرت‌ها در منطقه قرار دارد. این بحران باعث به وجود آمدن تنش‌هایی در میان بازیگران بزرگ منطقه‌ای شده است. نزاع و بی‌ثباتی جاری در سوریه عمیقاً هندسه سیاسی موجود و معادلات قدرت در خاورمیانه را متأثر کرده است. در این خصوص میشل بل سفیر سابق کانادا در مصر، اردن و سرزمین‌های اشغالی گفته است که ما در دنیای واقعی سیاست به سر می‌بریم. جایی که بازیگران متعهد و متفاوت در داخل و خارج سوریه طوری عمل می‌نمایند که با معیارهای بین‌الملل‌گرایان لیبرال در تضاد است. هر کدام از این بازیگران

به دنبال منافع خود از طریق دیپلماسی مخفی هستند (Bell, 2012: 1). در این میان روسیه را می‌توان یکی از بازیگران کلیدی در بحران سوریه انست. روسیه، خاورمیانه را اعتلا بخش منافع ملی و منزلت خود می‌داند که می‌تواند به رؤیای این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی بزرگ از طریق ایفای نقش مؤثر و سازنده در آن جامع عمل بپوشاند و به بازیگری حیاتی بدل گردد که خطوط کلی سیاست بین‌الملل را ترسیم کند. روسیه، خاورمیانه و بحران سوریه را سکوی پرش و مبدأ حرکت برای افزایش قدرت در اقتصاد جهانی و برقراری موازنه قدرت مناسب در برابر غرب می‌داند (Haddad, 2015: 18). این هدف‌گذاری روسیه به شدت چالش‌گر محیط استراتژیک و منافع غرب و ترکیه است؛ از همین رو غرب و متحدان ترکیه به افزایش فشار جهت تعمیق بخشیدن به ائتلاف به‌منظور تضمین و محافظت و جلوگیری از نفوذ روسیه و تلاش آن برای بی‌ثبات‌سازی جناح‌های جنوبی ناتو روی آوردند؛ بنابراین، حضور روسیه در سوریه، حرکت آنکارا را به سمت غرب و روی آوردن به سیاست هابزی تسریع بخشید (Onar, 2016: 12).

بحران سوریه زمینه تنش در روابط بازیگران خارجی از جمله ترکیه و روسیه فراهم نمود و به رقابت این دو بازیگر منطقه‌ای در سایر حوزه‌ها نظیر منطقه قفقاز نیز دامن زد. اوج تنش‌ها زمانی بود که جنگنده‌های روسی مواضع مخالفین اسد و از جمله ترکمن‌ها را در مجاورت مرزهای ترکیه مورد هدف قرار دادند. واکنش ترکیه و ساقط نمودن جنگنده روسی به بهانه نقض حریم هوایی این کشور باعث وضع تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های توریستی از سوی روسیه گردید. تعلیق پروژه گازی جریان ترکیه‌ا که انتقال گاز روسیه از مسیر ترکیه به بازارهای اروپایی را در نظر داشت و ممنوعیت ورود محصولات کشاورزی ترکیه نمونه‌ای از اقدامات روسیه به شمار می‌رفتند. میزان کل واردات روسیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۵ ثابت و در حدود ۱۸۲ میلیارد دلار بود ولی در همین دوره زمانی کاهش محسوسی در واردات روسیه از ترکیه وجود داشت که به مسئله تحریم اقتصادی ترکیه از سوی روسیه بر می‌گردد. در سال ۲۰۱۵ واردات روسیه از ترکیه در حدود سه میلیارد و پانصد و هشتاد و نه میلیون دلار بود که در سال ۲۰۱۶

به رقم یک میلیارد و هفتصد و سی و سه میلیون دلار کاهش یافت (International Trade Center, 2017). روابط سیاسی متشنج دو کشور بر بخش گردشگری نیز تأثیر منفی داشت. در سال ۲۰۱۴ در حدود ۳/۵ میلیون روسی وارد ترکیه شده بودند که این میزان در سال ۲۰۱۵ به ۲/۸ میلیون نفر کاهش یافت (Turkish Statistical Institute, 2017).

دولتمردان روسیه در کنار وضع تحریم‌های اقتصادی و تجاری علیه آنکارا تدابیر جدی برای به بن بست کشاندن سیاست‌های ترکیه در بحران سوریه نیز اندیشیده‌اند. روسیه در اولین گام اقدام به افزایش نیروهای رسمی خود در پایگاه‌هایش در سوریه کرد. در مرحله بعدی با هدف رصد فعالیت‌های نظامی ترکیه سامانه دفاعی پیشرفته اس ۴۰۰ را در مرز سوریه و ترکیه قرار داد. این سامانه ضمن کنترل فعالیت گروه‌های نظامی تحت حمایت ترکیه، زمینه را برای فراخ عمل بیشتر حزب دموکراتیک خلق‌ها فراهم ساخت. مجموع این اقدام‌ها طرح ترکیه مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع را به صورت ضمنی از بین برد. (Dalay, 2016: 5) در حال حاضر نیز با وجود اتحاد ترکیه با روسیه در خصوص حل سیاسی بحران در سوریه، سایه اختلافات کماکان بر روابط طرفین سنگینی می‌کند. با وجود حمایت روسیه از عملیات شاخه زیتون ترکیه در شهر کردنشین عفرین، رهبران ترکیه بارها نارضایتی خودشان را از پیشروی نیروهای دولت مرکزی سوریه در مناطق کردنشین اعلام کرده‌اند. به عبارتی برای آنکارا هنوز معضل تداوم حضور اسد در ساختار قدرت سوریه حل نشده است. در همین راستا دلتمردان آنکارا در واکنش به حملات موشکی آمریکا، فرانسه و انگلیس، رضایت و خشنودی خودشان را از انجام این حمله و لزوم تنبیه اسد نشان دادند. این اتفاق در حالی رقم می‌خورد که روس‌ها در بحران سوریه حساب خاصی روی ترکیه بسته‌اند. از دید پوتین، هیچ قدرتی به اندازه ترکیه، نقش بازدارنده در برابر رویکرد مداخله جویانه آمریکا در خاورمیانه ندارد. قرار گرفتن ترکیه در سمت روسیه چندین مزیت همزمان برای مسکو دارد. نخست اینکه ترکیه به عنوان راهبردی‌ترین شریک امنیتی آمریکا در خاورمیانه از پتانسیل بالایی جهت خنثی کردن نقشه‌های جنگی آمریکا در سوریه دارد. این کشور هم اکنون در نوار شمالی سوریه حضور و نفوذ جدی دارد. در این بین روس‌ها بسیار تلاش

می‌کنند زمینه حضور نظامی ترکیه را در شهر استراتژیک منبج فراهم کنند. این شهر هم اکنون در اختیار نیروهای موسوم به ائتلاف دموکراتیک سوریه و نظامیان حاضر آمریکایی در سوریه است. (Candar, 2018) طبیعتاً ورود نظامی ترکیه به این شهر، اصطکاک‌ها میان دو محور آنکارا و واشنگتن را بیش از گذشته افزایش می‌دهد. از سوی دیگر روس‌ها نیک می‌دانند که بدون مشارکت جدی ترکیه، امکان موفقیت برنامه نظامی آمریکا در سوریه بسیار ضعیف می‌باشد. رهبران روسیه با تجربه جنگ عراق به این امر واقف‌اند که آمریکایی‌ها بدون حضور نیروهای بومی قادر به مدیریت اوضاع و تحولات نیستند. بدین رو دولتمردان کرملین تمام هم و غمشان را بر جلب و نزدیکی هر چه بیشتر آنکارا به سمت خود گذاشته‌اند. جالب اینجاست که ترکیه هم متوجه این واقعیت‌ها و دشواری‌های تحولات سوریه است. این کشور از یکسو مخالف دولت اسد است و بی تمایل به حمله سنگین نظامی به مواضع اسد نیست و از سوی دیگر نگران از به خطر افتادن روابط ترمیم یافته‌اش با مسکو و نفوذ هر چه بیشتر آمریکا در منطقه خاورمیانه است. از همین رو ترکیه سیاست مبهمی را در تنش جاری میان روسیه و آمریکا در پیش گرفته است.

ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه در اولین واکنش به حمله شیمیایی دوما، اعلام کرد که دولت اسد باید به خاطر این حمله بهای سنگینی را پرداخت کند همراستا با اظهارات کالین، بکیر بوزداق سخنگوی دولت نیز گفت که رفتار اسد نباید بدون پاسخ بماند و جامعه جهانی باید در این خصوص موضعی استوار در برابر اقدام سبعیت جویانه دولت سوریه اتخاذ کند. به دنبال این اظهارات بود که دیپلماسی تلفنی مردان کرملین به راه افتاد و تماس تلفنی یکی پس از دیگر با مردان عدالت و توسعه برقرار شد. در ابتدا لاوروف در گفت و گوی تلفنی با رجب طیب اردوغان مرد اول سیاست ترکیه سعی کرد با یادآوری اهمیت اتحاد ترکیه و روسیه در بحران سوریه، وی را به تغییر مواضع نسبت به دولت سوریه مجاب سازد. بعد از لاوروف نوبت به پوتین رسید. رئیس جمهوری روسیه با برقراری گفت و گوی تلفنی با اردوغان تلاش کرد از در دوستی و ملامت وارد شود. پوتین با گوشزد کردن حمایت‌های روسیه از عملیات شاخه زیتون بر لزوم تداوم همکاری‌ها میان دو طرف تأکید کرد. به نظر می‌رسد

تماس‌های تلقنی رهبران روسیه نتیجه لازم را داد و دولتمردان ترکیه دست به تغییر مواضع نسبت به فاجعه شیمیایی دوما زدند. اردوغان که ابتدا از تنبیه اسد سخن می‌گفت در ادامه بر لزوم بررسی‌ها و تحقیقات بیشتر در حادثه شیمیایی دوما تاکید کرد و نسبت به عواقب شوم حمله نظامی به سوریه هشدار داد. جالب اینجاست که بکیر بوزداغ معاون نخست وزیر ترکیه با اینکه در ابتدا از لزوم مجازات اسد سخن می‌گفت اما در واکنش به اظهارات امانوئل مکرون رئیس جمهوری فرانسه از خوشحالی ترکیه از حمله اخیر موشکی سخن گفته بود و اینکه ترکیه دوباره به دامن کشورهای غربی بازگشته است؛ اعلام کرد که راه و مسیر ترکیه در بحران سوریه متفاوت از قدرت‌های غربی است و این کشور اهداف و منافع مستقلی از آمریکا و روسیه دنبال می‌کند. (Mcguinness, 2018) همسو با اظهارات رهبران ترکیه، در سطح عمومی و رسانه‌ای نیز فضا به نفع روسیه بود. احمد اکت ستون نویسنده روزنامه حکومتی ینی شفق در گزارشی با اعلام اینکه آنکارا در رویارویی مسکو و واشنگتن در وضعیت مبهمی قرار گرفته است؛ می‌نویسد دولت ترکیه باید دست به انتخابی آسان بزند. آمریکا سالهاست که دست ترکیه را در مبارزه علیه تهدید افراط گرایان و کردهای شورشی تنها گذاشته است و در برابر روسیه در قبال ترکیه در سوریه آزمون اش را پس داده و همیشه حامی آنکارا بوده است. بدین رو خیانت واشنگتن به آنکارا در مسئله کردها نبایستی به آسانی دست به فراموشی سپرده شود. طی پنج سال اخیر آمریکا تمام تمرکز اش را بر روی شکست ترکیه در سوریه گذاشته است.

تنش در روابط ترکیه با آمریکا

تداوم بحران در سوریه، روابط آنکارا با هر کدام از قدرت‌های بزرگ دخیل در سوریه را تنش آلود کرد. نگاه خاص ترک‌ها به بحران سوریه، این کشور را با همه قدرت‌های مهم در سوریه وارد چالش کرده است. مخالفت و دشمنی ترکیه با دولت اسد، باعث اختلاف نظر روسیه با ایران و ترکیه شده و از سوی دیگر حمایت آمریکا از جریان‌های کرد، زمینه اختلاف دیدگاه این کشور با آنکارا شده است. این امر به خصوص بعد از آزادسازی شهر رقه از حضور داعش تشدید شده است. در عملیات آزادسازی شهر رقه

نقش نیروهای ائتلاف دموکراتیک کرد به سبب حمایت‌های مؤثر آمریکا بسیار برجسته شد. پیشروی زمینی نیروهای کرد در شهر رقه، مردان عدالت و توسعه را از توسعه سرزمینی کردهای مبارزه جو به هراس انداخت. رهبران ترکیه با این باور که نیروهای کرد در تلاش برای توسعه فتوحات سرزمینی‌شان در جوار مرزهای ترکیه هستند؛ این نیروهای را تهدیدی مستقیم بر امنیت ملی خودش در نظر می‌گیرند. در برابر آمریکا، کردها را موثرترین نیرو در مبارزه با جریان‌های تکفیری در سوریه به رسمیت می‌شناسند. ائتلاف دموکراتیک سوریه به نوعی بازوی زمینی آمریکا در سوریه است. این جریان با حمایت آمریکا توانست در سال ۲۰۱۶ شهر استراتژیک منبج را که کریدور ورود و خروج نیروهای خارجی داعش بود؛ به کنترل خود در آورد. با تثبیت موقعیت نیروهای کرد در شهر منبج؛ زمینه برای کنترل تصرفات بیشتر در مناطق شمالی سوریه فراهم شد بدین رو نیروهای ائتلاف دموکراتیک کرد، شریک مصلحتی برای آمریکا در بحران سوریه است. این نیروهای هم اکنون با حمایت آمریکا کنترل بیست و پنج درصدی سرزمین سوریه را در اختیار دارند. از سوی دیگر نیروهای کرد واقف به این امر هستند که به تنهایی توانایی مبارزه با داعش را ندارند و برای بقای سیاسی و نظامی‌شان در سرزمین سوریه به حمایت و پشتیبانی آمریکا نیاز دارند. (Czuleger, 2017:3) این امر ناخوشایندی رهبران ترکیه را در پی داشته است. از این منظر راز سکوت دولت ترکیه نسبت به فجایع کوبانی و دیگر فتوحات داعش در سوریه در همین مسئله قرار دارد. دولت ترکیه جزء آخرین دولت‌هایی بود که داعش را به عنوان گروهی تروریستی به رسمیت شناخت و حاضر به همکاری با ائتلاف بین‌المللی ضد داعش نبود که در نهایت با فشار آمریکا مجبور به واگذاری پایگاه اینجریلیک به جبهه مبارزه علیه داعش شد. داعش از دو منظر تأمین‌کننده منافع ترکیه بوده و هست. داعش هم زمان در حال مبارزه با دولت سوریه و جریان‌های کردی است. دو جریانی که ترکیه به دنبال حذف آن است. مسئله مهم دیگر برای ترکیه، جلوگیری از رخنه داعش به داخل سرزمین‌شان است. با توجه به وجود مرز ۹۰۰ کیلومتری با سوریه، ترکیه در برابر نفوذ جریان‌های تکفیری بسیار آسیب پذیر است و به همین خاطر هنوز هم حاضر به رویارویی مستقیم با داعش نیست و مهم‌ترین دلیل حضور نظامی‌اش در سوریه را مقابله

با قدرت‌گیری جریان‌های تروریستی کردی می‌داند. البته احتیاط ترکیه نسبت به داعش دور از منطق هم نیست. داعش حملات تروریستی خود در خاک ترکیه را از دو شهر کردنشین دیاربکر و سوروچ آغاز کرد و سپس به آنکارا و بالاخره به استانبول رسید، اما نکته مهمی که در این چهار حمله تروریستی وجود دارد این است که داعشی‌ها، هنوز هم در حملات خود، ترکه‌ها را مورد حمله قرار نداده‌اند. در سه حمله نخست کردها و دانشجویان و فعالان سیاسی - رسانه‌ای طرفدار پ.ک.ک. و در حمله چهارم، گردشگران آلمانی قربانی اقدامات تروریستی شدند و یکی از پیام‌های ضمنی این حمله، این است که داعش هنوز هم به ترکیه هشدار می‌دهد و با انجام چنین حملاتی به دنبال صدور پیام تهدیدآمیز یک حمله بزرگ است و شاید اگر قرار باشد این گروه تکفیری باز هم در ترکیه دست به حمله بزند، در رویداد آتی شهروندان ترک ترکیه قربانی شوند. بدین رو داعش با اقدامات خود نشان داد که در ترکیه دارای شاخه‌های پنهان فراوانی است. علاوه بر اینکه بسیاری از اعضای داعش در پوشش آوارگان از داخل سوریه به ترکیه آمده‌اند، برخی از جوانان ترکیه‌ای نیز به داعش پیوسته‌اند و حضور آن‌ها در خانه‌های تیمی پنهان در اغلب استان‌های ترکیه، می‌تواند زمینه ساز حملات تروریستی و ناامنی در ترکیه باشد. براینکه این امر نشان می‌دهد که مردان عدالت و توسعه درک و دریافت روشنی از واقعیت داعش دارند و به همین خاطر در مواجهه با این گروه دست به عصا حرکت می‌کنند. این کشور گرچه به ناچار همراه با آمریکا در جبهه مبارزه با داعش قرار گرفته اما اختلاف نظر جدی با واشنگتن بر سر نحوه برخورد با این گروه دارد و به عبارتی رهبران ترکیه مدام در گفت و گوهايشان با دولتمردان آمریکا، نگرانی اصلی‌شان را نه داعش، بلکه نیروهای کردی فعال در سوریه اعلام می‌کنند. (Cockburn, 2015: 270)

خودمختاری کردهای سوریه و تهدیدات مرزی ترکیه

همان‌گونه که مورتون و أبراموویتز معتقدند، بررسی «جوانب کردی» بحران سوریه، مهم‌ترین مسئله و دغدغه آنکارا بوده است ((Morton & Abramowitz, 2013: 25). ترکیه امیدوار بود تا کردهای سوریه تحت حملات شدید جهادگرایان به نیروی منفعل و

خشتی و مغلوب تبدیل شوند و نتوانند به ائتلافی استراتژیک و مترقیانه دست یازند، اما ترکیه نه تنها نائل به این امیدواری خود نشد، بلکه منطقه بار دیگر جوانه زدن تصورات و ایده‌های «پان کردی» را به نظاره نشست. نه تنها داعش نتوانست کردها را سرکوب کند، بلکه حملات این گروه منجر به ائتلافی ناگهانی از کردهای پراکنده و گروه‌های مسلح کردی در برابر یک دشمن مشترک و تأسیس مراکز عملیاتی و فرماندهی و بسیج و سازمان‌یابی این گروه در سوریه شد که در واقع، به معنای دستیابی به عمق استراتژیک بود. وقتی که کردها میدان جنگ کوبانی را در برابر داعش به نفع خود تغییر دادند، آنان توانستند حضور خود را در امتداد مرزهای سوریه- ترکیه تقویت کنند؛ بنابراین کسی نمی‌تواند انکار کند که یکی از مهم‌ترین برندگان در فرآیند سوریه «کردها» هستند. پیروزی کردها چندین مزیت برای آن‌ها و تهدید برای ترکیه در برداشته است.

با برجسته شدن موقعیت کردها در صحنه بحران سوریه، ترکیه خود را مواجه با دو دشمن دولت اسد و کردهای سوریه دید. در این میان با توجه به تهدید قریب الوقوع کردها بر امنیت مرزی ترکیه، مواضع مردان عدالت و توسعه نسبت به شخص بشار اسد نرم تر شد. در همین راستا دولت ترکیه تمرکز اصلی خود را بر روی جلوگیری از قدرت‌یابی جریان‌های کردی در شمال شرقی سوریه گذاشته است از همین رو بی دلیل نیست که نظامیان ترکیه طی سالهای اخیر حمله به پایگاه‌های نظامی کردهای سوریه را در دستور کار اصلی خود قرار داده است. اوج این تنش‌ها زمانی بود که شهر استراتژیک منبج که کریدور انتقال تجهیزات و نیروهای نظامی داعش از مسیر ترکیه بود به تصرف ائتلاف دموکراتیک سوریه در آمد. حضور نیروهای کردی در این شهر، رهبران ترکیه را به شدت نگران ساخت و مولود چاووش اغلو در اظهاراتی در دوم ماه مارس ۲۰۱۷ بر ضرورت خروج نیروهای کردی از شهر منبج تأکید کرد و گفت که نظامیان ترکیه آماده ورود به این شهر هستند. ضدیت ترکیه با نیروهای کردی، زمینه سردی روابط میان آنکارا با واشنگتن را سبب ساخت. از دید واشنگتن جریان‌های کردی با توجه به انگیزه بالا از موثرترین نیرو جهت پاکسازی تروریست‌های داعش در سوریه می‌باشد. این در حالی بود که ترکیه نگاهی استراتژیک تر و بلندمدت تر به گسترش فضای سرزمینی کردهای سوریه می‌نگریست. از دید آنکارا تجهیز بیشتر ائتلاف دموکراتیک سوریه از

سوی امریکا نگرانی‌هایی همچون تشکیل خودمختاری، تسری کانتون‌های کردی در داخل جغرافیای سوریه را در پی دارد و از همین رو به مخالفت تمام عیار با مقامات واشنگتن بر سر حمایت از کردها برخاستند. (Czuleger, 2017:3) دلیل این اختلاف نگرش را باید در ملاحظات امنیتی مردان عدالت و توسعه جست و جو کرد.

از منظر امنیت ملی، بحران سوریه تهدیدات زیادی را متوجه امنیت ترکیه قرار داد. از جمله این امر افزایش حرکت‌های انتحاری- تروریستی در شهرهای مرزی ترکیه است. سریال انفجارهای تروریستی از فوریه ۲۰۱۳ در شهر مرزی سیلوک اوز، شهر ریحانلی و هتای از نمونه حرکت‌های خونین تروریستی در ترکیه است که مجموعه باعث کشته و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ شهروند ترکیه ای شد (Levaggi, 2015:6) در اخیرترین این اقدام، کشته شدن ۲۸ افسر نظامی ترکیه در شهر آنکارا در اثر انفجار خودروی بمب گذاری شده بود. عامل این حرکت تروریستی صالح نجار از اعضای گروه نظامی حزب اتحادیه دموکراتیک سوریه بود. حزب اتحاد دموکراتیک در اصل شاخه سوری حزب مادر یعنی پ.ک.ک. می‌باشد. روی هم رفته بعد از پایان آتش بس میان آنکارا با حزب کارگران کرد ترکیه، دامنه خشونت‌ها و حرکت‌های انفجاری بیه شدت افزایش یافته است. بنا به آمارها از تابستان ۲۰۱۵ تا اواخر نوامبر ۲۰۱۶ حدود ۲/۳۶۰ نظامی و غیر نظامی در ترکیه کشته شده‌اند. آنچه که غیر قابل انکار است اینکه به تناسب افزایش اقدامات نظامی ترکیه در سوریه و هدف قرار دادن جریان‌های کردی به همان نسبت احتمال تکرار حرکت‌های تروریستی از سوی اعضای گروه‌های وابسته به حزب دموکراتیک خلق‌ها در شهرهای پرجمعیت ترکیه وجود دارد. از سوی دیگر انشقاق و شکاف‌های سیاسی در داخل ترکیه هم به خاطر منازعه با پ.ک.ک و جریان‌های کردی به شدت زیاد شده است. در کنار اختلاف نظر حزب جمهوری خواه خلق با دولت اردوغان بر سر نحوه مواجهه با بحران سوریه، دولت حاکم با جریان‌های سیاسی دموکراتیک خواه کرد نیز به مشکل برخورد کرده است. حزب دموکراتیک خلق‌ها که پس از دهه‌ها انتظار موفق به کسب حد نصاب ده درصدی در پارلمان ترکیه شده بود؛ به شدت از سوی دولت اردوغان مورد حمله قرار گرفته است. بازداشت سران این حزب (صلاح الدین دمیرتاش) باعث افزایش انتقادهای بین‌المللی به خصوص از سوی اتحادیه اروپا

نسبت به دولت ترکیه شده است و این کشور را در معرض فشارهای شدید سیاسی این اتحادیه قرار داده است. (Institute for Security & Development Policy, 2016:4)

سیل آوارگان سوری؛ چالش امنیتی برای ترکیه

طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، سوریه در حال تجربه بزرگ‌ترین فاجعه انسانی خود از ابتدای شروع ناآرامی‌های سیاسی بعد از مارس ۲۰۱۱ می‌باشد. بمباران‌های حکومت سوریه و روسیه در کنار خشونت‌های مخالفین اسد موجب فرار میلیون‌های آواره سوری و پناهندگی آن‌ها در داخل و خارج کشور شده است. تا اوایل ۲۰۱۳ تقریباً تمامی آوارگان در اردوگاه‌ها اسکان داده شده بودند. تغییر شرایط و سرازیر شدن موج‌های بزرگ‌تر آوارگان تعداد آوارگان بیرون از اردوگاه‌ها را افزایش داد. به طوری که در اوایل ۲۰۱۴ در حدود نیمی از آوارگان خارج از اردوگاه‌ها به سر می‌بردند (Icduygu, 2015: 7). با توجه به رقم میلیون‌ها پناهندگان و افزایش شمار آن‌ها توان تأمین مایحتاج و نیازهای آن‌ها خارج از ظرفیت ترکیه است.

به نظر نمی‌رسد بحران سوریه به این زودی‌ها پایان یابد و به احتمال زیاد دولت سوریه به دولتی ضعیف و یا شکست‌خورده تبدیل خواهد شد. بنابراین بسیاری از آوارگان تا مدت‌های طولانی در ترکیه باقی خواهند ماند و برخی دیگر برای همیشه در این کشور ماندگار خواهند شد. که نتیجه چنین وضعیتی نه تنها تغییرات دموگرافیکی در استان‌های جنوبی این کشور خواهد بود بلکه با توجه به تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و سبک زندگی مسئله ادغام آن‌ها در جامعه ترکیه چالشی دیگر برای این کشور خواهد بود. جوامع میزبان به طور عمده آوارگان سوری را یک تهدید امنیتی در نظر دارند. برخی افراد وابسته به گروه‌های تکفیری با بهره‌گیری از سیاست درهای باز ترکیه توانسته‌اند وارد ترکیه شده و عملیات انتحاری انجام دهند. حمله انتحاری به یک مرکز توریستی در ژانویه ۲۰۱۶ در شهر استانبول که به مرگ ده توریست آلمانی منجر شد

1. United nations high commissioner for refugee (UNHCR)
2. Filed State
3. Open Door Policy

توسط فردی صورت گرفته که به عنوان آواره ثبت‌نام کرده و وارد این کشور شده بود (International Crisis Group, 2016: 14)).

به علت فرصت‌های محدود شغلی در ترکیه به‌خصوص برای افراد تحصیل کرده، بسیاری مجبور به مهاجرت به اروپا شده‌اند. در این میان مسئله اشتغال مهاجرین سوری چالشی در برابر بازار کار ترکیه بوده و نگرانی‌هایی در میان جوانان جویای کار این کشور برانگیخته است. برآوردها حاکی از آن است که در حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار آواره سوری به صورت غیر قانونی در این کشور مشغول کار می‌باشند (International Crisis Group, 2016:8). در نتیجه همین نگرانی‌هاست که رهبران ترکیه تصمیم به انتقال تدریجی میلیون پناهجوی سوری به داخل خاک سوریه گرفته‌اند. هم‌اکنون حدود سه و نیم میلیون آواره سوری در شهرهای ترکیه سکنی گزیده‌اند. با عطف به دشواری پذیرش این طیف عظیم جمعیتی در دوران ساختار اقتصادی و سیاسی ترکیه، مردان عدالت و توسعه در نظر دارند با توسعه فتوحات نظامی در نوار شمالی سوریه، یخس بزرگی از این جمعیت را اسکان دهند. امری که به سبب پویایی تحولات در سوریه و تشدید درگیری‌های نظامی دور از انتظار به نظر می‌رسد (Cunningham, 2018). ورود گروه‌های تروریستی در پوشش پناه جو از سوریه به ترکیه و انجام عملیات تروریستی در شهرهای ترکیه مسئله دیگری است که بر نگرانی‌های امنیتی ترکیه از حضور جمعیت میلیونی اوارگان در این کشور دامن زده است. انجام عملیات تروریستی در منطقه تاریخی سلطان احمد در شهر استانبول نشان از وجود یک شبکه گسترده تروریستی در داخل ترکیه دارد. جالب اینجاست که عامل این حمله تروریستی نبیل فدهمی یک پناهنده سوری بود که متصل به شبکه تروریستی داعش بود. در همین حال مقامات ترکیه با توجه به میزبانی بیش از سه میلیون پناهنده سوری به شدت نگران آینده این طیف عظیم جمعیتی هستند. (SENGUPTA, 2016:2)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه طی سالهای اخیر به سبب تحولات ناشی از بحران سوریه در محصمه ای عجیب گرفتار آمده است. تحولات سوریه، ترکیه را در دو سطح تحت تأثیر

قرار داده است. ترکیه در داخل با بحران‌ها و تهدیدات متنوع ملی، بحران پناهندگان، تشدید حرکت‌های تروریستی و تشدید معضل کردی مواجه شد. در منطقه هم، ترکیه وارد چالش با بازیگران مختلفی از جمله ایران، روسیه و آمریکا شده است. دلیل این چالش‌ها هم، بی‌شک به نوع واکنش و ورود ترکیه به بحران سوریه ارتباط پیدا می‌کند. رهبران ترکیه از ابتدای شروع بحران در سوریه تلاش کردند تا با پشتیبانی و حمایت از نیروهای مخالف بشار اسد، زمینه را برای سقوط نظام بشار اسد در سوریه فراهم کند. ترکیه تمام توان لجستیکی و حمایتی خود را در حوزه‌های نظامی، جغرافیایی، سیاسی، مالی به کار بست تا با استفاده از مرزهای زمینی وسیعی که با سوریه دارد، اوضاع را به ضرر بشار اسد و نیروهای دولتی سوریه رقم بزند. از جمله اقدامات شاخص ترکیه در قبال تحولات جاری سوریه، میزبانی نشست‌های گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است که به نوبه خود نشانه آشکاری از سیاست مداخله جویانه به حساب می‌آید. اقدام دیگر این کشور پذیرش آوارگان سوری بود که از طریق سعی در تقویت موقعیتشان به عنوان کشوری انسان دوست در منطقه و جهان هستند. رهبران ترکیه با اتخاذ این سیاست‌ها به دنبال ایجاد دولتی در سوریه با رویکرد سنی و اخوانی هستند. هم‌اکنون حزبی که در ترکیه قدرت را به دست دارد و از نظر اندیشه‌ای جزو گروه‌های اخوانی جریان اندیشه سیاسی اهل سنت هستند. حماس در فلسطین، اخوان در مصر و حزب عدالت و توسعه در ترکیه شاخه‌های اخوانی در این کشورها هستند. از همین منظر، رهبران عدالت و توسعه، بر این باورند که خاورمیانه منطقه‌ای استراتژیک و حیاتی برای بالا بردن ضریب امنیتی و به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ ترکیه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. این فرصت بی‌گمان با آغاز اعتراضات مدنی در تونس، مصر و دیگر کشورهای عربی فراهم گشت. دولتمردان ترکیه با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف از جمله: برقراری روابط نزدیک سیاسی با هریک از این کشورها، حمایت‌های دیپلماتیک از انقلابیون، برگزاری کنفرانس‌های مختلف در حمایت از مطالبات سیاسی مردم مصر، تونس و سوریه، و در نهایت فشار بر دیکتاتورهای سابق در این کشورها در جهت ترک حکومت و تن دادن به خواسته‌های مردم به دنبال برجسته کردن نقش فعال خود در منطقه و

نزدیک کردن نظام نوین سیاسی این کشورها به برداشت‌ها و الگوی مطلوب سیاسی خود بر آمد.

از منظری رهبران حزب عدالت و توسعه در تلاش هستند با روی کار آوردن گروه‌هایی مثل اخوان المسلمین که از لحاظ فکری به حزب عدالت و توسعه نزدیک هستند، رهبری منطقه را با محوریت خود شکل دهند. بنابراین با پیروی از منفعت نسبی در تلاش برای تضعیف گفتمان‌های رقیب در منطقه می‌باشند. اما پیچیدگی و پویایی داخلی بحران و نگاه انحصار گرایانه ترکیه نسبت به بحران سوریه، این کشور را وارد تقابل با همه قدرت‌های مهم درگیر در سوریه کرده است. مخالفت این کشور با دولت اسد، زمینه ساز تنش با دو قدرت مهم تاثیرگذار ایران و روسیه شده است. از سوی دیگر تلاش برای حذف فیزیکی جریان‌های مبارزه جوی کرد، باعث اختلاف و فاصله گیری هر چه بیشتر محور آنکارا با واشنگتن شده است. لذا این امر باعث افزایش هزینه‌های بیشتر این کشور از بحران سوریه شده و می‌توان گفت تبعات بحران سوریه ضمن تحت تأثیر قرار دادن امنیت مرزی ترکیه، در بعد منطقه ای هم باعث پایان سیاست صفر مشکل با همسایگان گردید. در کنار این امر بی ثباتی‌های مرزی و فعال شدن دوباره پ.ک.ک، رخنه تروریست‌های تکفیری به خاک ترکیه و از همه مهم‌تر چالش حل و مدیریت آوراگان از جمله نتایج منفی بحران سوریه برای امنیت ملی ترکیه است. بی گمان در این بین تهدید کردها از دیگر تهدیدات شاخص تر و نمایان تر است. ارتباط معنادار فکری و سیاسی حزب پ.ک.ک با یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه، هراس رهبران ترکیه را از تشکیل یک دولت خودمختار کردی در جغرافیای بزرگ سوریه و متعاقباً ترکیه برانگیخته است. پیدایی چنین امری شرایط دشواری را پیش روی آنکارا گذاشته است. این کشور از یکسو مواجه به تهدیدات فراوان امنیتی و سیاسی از ناحیه کردها و داعش شده است و از طرف دیگر با توجه به خصومت و دشمنی علنی با دولت سوریه قادر به همکاری با دمشق برای رفع خطرها نیست. بدین رو سیاست منطقه ای ترکیه در خاورمیانه بیش از هر چیز نشان از وجود شکاف عمیق میان جاه طلبی‌های ترکیه با توانایی‌های سیاسی و نظامی این کشور دارد به طوری که سیاست ترکیه در منطقه که بر پایه صفر مشکل با همسایگان بنا شده بود؛ امروز به رویکرد تنش با همسایگان تبدیل وضعیت داده است.

منابع

برچر، مایکل. (۱۳۸۲). *بحران در سیاست جهان*، جلد دوم، ترجمه حیدر علی بلوچی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، باری، ویور، الی و دووید، پاپ. (۱۳۹۲). *چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دانش‌نیا، فرهاد. (۱۳۹۴). «تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین

مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آن (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴) تهران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و*

بین‌المللی، سال ششم، شماره ۳۹.

خبرگزاری کرد پرس (۱۳۹۵). «عقاب‌های آزاد کردستان و رابطه با پ.ک.ک»، ۲۸ آذر ماه. at: <http://kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=120051#Title>.

سلطانی‌نژاد، احمد، جمشیدی، محمد حسین، و محسنی، سجاد. (۱۳۹۵). «تحول مفهوم

امنیت در پرتو جهانی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین»، *فصلنامه سیاست*

جهانی، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۴۲-۷.

قاسمی، محمد علی. (۱۳۹۵). «استراتژی ترکیه در قبال داعش»، *فصلنامه مطالعات*

راهبرد، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۱۴-۹۳.

ویلیامز، پل. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران:

انتشارات امیر کبیر.

Alaranta, Toni. (2017). *TURKISH TROOPS IN SYRIA*, FIIA BRIEFING PAPER 214 • February 2017

Anthony, Shadid Konya. (2011). "Turkey Calls for Syrian Reforms on Order of 'Shock Therapy'", New York Times.

Barzegar, Kayhan. (2012). "The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East", at: <http://www.powerandpolicy.com>, (Accessed on: 13/9/2015).

Bell, Michael. (2012). "In Syria, The Powers Play Hardball", 23 July, at: <http://www.theglobeandmail.com/commentary/in-syria-the-powers-play-hardball/article 4431894/>, (accessed 04.02.2013).



- Bröker, Laura. (2016). " **Any Hope for a Kurdish State? The United States, Germany and the Prospects of Kurdish Self-Determination**", Heinrich-Böll-Stiftung North America.
- Cagaptay, Soner & Menekse, Bilge. (2014). " **the Impact of Syria's Refugees on Southern Turkey**", The Washington Institute for Near East Policy.
- Candar, Cengiz. (2018). **Deadly Ankara-West fault line cracks open at Syria's Manbij** Read more: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2018/04/turkey-united-states-syria-manbij-becomes-fault-line.html#ixzz5DuCwRQzA>
- Chittenden, Michael. (2016). " **Turkey and the Kurds: Conflict with the Kurdistan Workers' Party and Implications for Turkey-United States Relations**", Global Security Studies, Volume 7, Issue 3, pp.31-40.
- Cockburn, Patrick (November 2015). War with Isis: President Obama demands that Turkey close stretch of border with Syria. The Independent.
- Cordesman, Anthony. (2011). " **Rethinking the Arab Spring; Stability and Security in Egypt, Tunisia**", at: <http://www.CSIS.com>, (Accessed on: 13/9/2016).
- Cunningham, Erin. (2018). **Turkey, once a haven for Syrian refugees, grows weary of their presence**, https://www.washingtonpost.com/world/turkey-to-syrian-refugees-you-dont-have-to-go-home-but-dont-stay-here/2018/04/04/d1b17d8c-222a-11e8-946c-9420060cb7bd_story.html
- Dufner, Urike & Berthold, Marc. (2010). **Foreign Policy of Turkey in the Middle East: Values, Interest, Goals**, Hein Rich Boll Stift UNG, as of February 3.
- Dapkus, Simonas. (2016). " **Turkey's Security Dilemma on the Border With Syria: Situation Assessment and Perspectives of the Intervention**", at: http://lfpr.lt/wp-content/uploads/2016/01/LFPR_2015_33_Dapkus.pdf, (Accessed on: 13/9/2016).
- Daily Sabah. (2017). " **A chronology of Daesh attacks targeting Turkey**", at: <https://www.dailysabah.com/war-on-terror/2017/01/01/a-chronology-of-daesh-attacks-targeting-turkey>.
- Eric Czuleger. (2017). **The US, Turkey and the Kurds, Geopolitical Futures Keeping the future in focus**, <https://geopoliticalfutures.com>

- Galip Dalay. (2016). **Emerging Threats and New Trends in Turkish Foreign Policy**
Center for American Progress.
- Esmailzadeh, Yaser. (2013). "Turkey's Foreign Policy towards the Middle East (2002-2013)", Switzerland Research Park Journal, Vol.103, No. 1, pp.327-335.
- Gunter, Michael M. (2016). "the Kurdish Issue in Turkey: Back to Squar one?", Turkish Policy Quarterly, Vol.14, No.4, pp.77-86.
- Haddad, Bassam. (2015). "The Russian Moment via Syria", in, "Disrupting the Chessboard; Perespectives on the russian Intervention in Syria", *Harvard Kennedy School*
- Hurriyet Dayli News. (2017). "Turkey became major target of ISIL attacks in 2016", at: <http://www.hurriyetdailynews.com/turkey-became-major-target-of-isil-attacks-in-2016.aspx?pageID=238&nID=108047&NewsCatID=341>, (Accessed on: 13/4/2017).
- Hurriyet Dayli News. (2018). Ankara boosts efforts to prevent disaster in Idlib, <http://www.hurriyetdailynews.com/ankara-boosts-efforts-to-prevent-disaster-in-idlib-136373>
- Levaggi, Ariel González(2015), **Forced Humanitarianism: Turkey's Syrian Policy and the Refugee Issue**, Caucasus International
- Icduygu, Ahmet. (2015). "Syrian Refugees in Turkey: the long Road Ahead", Migration Policy Institute.
- International Crisis Group. (2016). "Turkey's Refugee Crisis: The Politics of Permanence", Europe Report N°241.
- International Crises group. (2013). "Syria's Kurds: A Struggle Within a Struggle, Middle East Report N°136.
- Institute for Security& Development Policy. (2016). **Turkey's Kurdish Conflict: 2015-Present**, www.ISDP.EU.
- International Trade Center. (2017). at: http://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1|792||643||TOTAL||2|1|1|2|2|1|1|1|1, (Accessed on: 13/4/2017).
- Jung, Dietrich. (2011). "After The Arab Spring: Is Turkey a Model For Arab States?", Center For Mellemoststudier-sidansk university, at: <http://www.static.sdu.Dk.>, (Accessed on: 13/2/2015).
- McGuinness, Romona. (2018). **ussia and Turkey are UNITED' Ankara hits back at Macron in Syria bombing row**, <https://www.express.co.uk/news/world/947596/russia-turkey-syria-war-syria-bombing-france-emmanuel-macron>.
- Morton, I Ambs & Abramowitz and Eric S. Edelman, Co-Chairs (2013), "U.S.Turkish Cooperation Toward a Post-Assad Syria", *Bipartisan Policy Center*

- Nader, Alireza & Hanauer, Larry & Allen, Brenna & G. Scotten, Ali. (2016). "**Regional Implications of an Independent Kurdistan**", RAND Corporation.
- Onar, Nora Fisher. (2016). "**The Populism/Realism Gap: Managing Uncertainty in Turkey's Politics and Foreign Policy**", *The Center on the United States and Europe at Brookings — Turkey project*.
- Phillips, Christopher. (2010). **Turkey and Syria**, London: School of Economics and Political Science.
- Republic of Turkey Prime Ministry Investment Support and Promotion Agency. (2017). at: <http://www.invest.gov.tr/en-US/sectors/Pages/WellnessAndTourism.aspx>, (Accessed on: 13/4/2017).
- Schenker, David. (2011). "**Turkey's shift on Syria gives West Room to get Tougher on Assad**", at: <http://www.csmonitor.com/Commentary/Opinion/2011/0609/Turkey-s-shift-on-Syria-gives-West-room-to-get-tougher-on-Assad>, (Accessed on: 13/4/2016).
- SENGUPTA, ANITA. (2016). **Turkey, Syria, and the Islamic State**, ORF ISSUE BRIEF www.orfonline.org.
- SEMİN, Ali. (2014). **THE SYRIA CRISIS AND TURKEY**, Wise Men Center For Strategic Studies, WWW.BILGESAM.ORG
- Taner Özen, Kayhan. (2017). "**Syrian refugees may offer chances for Turkey's tourism industry**", hurriyet daily news.
- Taspinar, Omer. (2012). **Turkey; the New Model? From the book: the Islamists are coming: who They Really Are**, Co-published by the Wilson Center and the U.S. Institute of peace, April.
- Tocci, Nathalie. (2013). "**Turkey's Kurdish Gamble**", The International Spectator, Vol. 48, No. 3, pp.67-77.
- Turkish Statistical Institute. (2017). at: <http://www.turkstat.gov.tr/Start.do>, (Accessed on: 13/4/2017).
- UN Comtrade Data. (2017). "**International Trade in Goods based on UN Comtrade data**", at: <https://comtrade.un.org/labs/BIS-trade-in-goods/?reporter=760&year=2010&flow=2>, (Accessed on: 13/4/2017).
- UNHCR. (2017). at: <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/regional.php>, (Accessed on: 13/4/2017).